

اول ماه مه و رضا پهلوی

مدتی پیش یکی از طرفداران سلطنت مقاله ای نوشته بود با عنوان "شاهان پهلوی چپگرای واقعی" و گفته بود شاه از کمونیستها چپ تر بود. کل آن بحث به یک شوخی میمانست اما نویسنده قصد شوخی نداشت و تا آخر هم کوتاه نیامد! اما گویا در این دور و زمانه از این نوع طنزها و خودرا با قامت چپ اندازه گرفتن حداقل در میان این طیف مد شده است. اخیرا پیام آقای رضا پهلوی بمناسبت روز کارگر را دیدم. ایشان البته با زیرکی و "سیاستمداری" اسمی از اول مه نبرده اند. بلکه روز کارگر را "۱۱ اردیبهشت" خوانده اند که قابل فهم است. اما جالبترین تکه آنجاست که کاوه آهنگر و یعقوب لیث را به روز کارگر وصل کرده اند و نوشته اند: "صفحات تاریخ ایران ما، از اسطوره افتخار برانگیز و پرشور کاوه آهنگر گرفته تا دلاوریها و جوانمردیهای رویگری چون یعقوب لیث، آکنده از آزاد فکری و فداکاری های کارگر ایرانی است." جالب نیست؟ یعقوب لیث هم کارگر بوده، کاوه هم کارگر بوده، ...خدا هم کارگر بوده شاه هم کارگر بوده. اصلا روز کارگر یک روز خلص ایرانی است!

اینکه کسی بیاید با درد سر و پشتک وارو یک روز کارگری بین المللی را که به سنت کارگری و سوسیالیستی قرن نوزده و بیست وصل است، به شاهان و امیران هزار سال پیش و به ناسیونالیسم ایرانی وصل کند، به آلیاژ بالایی از پروری نیاز دارد و مقادیری وقاحت و دنده ای پهن که نیشخند همه مخاطبین را تحمل کند. قصدم توهین به آقای رضا پهلوی نیست اما براستی شما بگویید چپاندن یک عالمه آشغال ناسیونالیستی در بطن پیامی به مناسبت روز بین المللی کارگر با چه ابزار دیگری امکان پذیر است؟ ایشان در دل یک پیام نیم صفحه ای به مناسبت روز کارگر نه فقط یعقوب لیث و کاوه را به عنوان کارگر قالب کرده اند بلکه اعتصاب کارگران را هم به نافرمانی مدنی کذایی وصل کرده اند، "جامعه عرفی" شان را هم تبلیغ کرده اند که معنایش جامعه ای است که نه زیادی سکولار باشد، نه دموکراتیک باشد و نه مردم در حق و حقوقشان زیاده خواهی کنند.

سوال اینست که آن دلایل و انگیزه هایی که ایشان را به این مخمصه و مضحکه می اندازد چیست؟ نمیشد اصلا دور این روز را ایشان خط بکشند و بگذارند کارگران بروند کار خودشان را بکنند و مثلا پیام "اعلیحضرت" را به مناسبتی دیگر مثلا بمناسبت سالروز انقلاب سفید یا کشف حجاب یا تاجگذاری رضا شاه یا اصلا قیام یعقوب لیث یا ابومسلم خراسانی بشنوند؟ پاسخ به این سوال ما را به مشکل اصلی آقای رضا پهلوی و کل طیف راست پروغرب میرساند. ایشان در موقعیتی نیستند که بتوانند کارگر و روز کارگر را نادیده بگیرند یا مثل خمینی خط بزنند. همان تجربه خمینی که روز

کارگر را میخواست خط بزند و بعد به غلط کردم افتاد و در قانون کارش هم از آن اسم برد، برای هرکس که چشم به قدرت در ایران دارد کافی است که نشان دهد با این بازیها نمیشود یک طبقه اجتماعی قدرتمند را که چرخهای اقتصادی را در دست دارد دور زد. کارگر در ایران وزن بالایی دارد و اول مه به یک سنت مستحکم مبارزاتی در جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. اول مه را کارگران به جانوران عهد عتیقی که اسم کارگر را هم میخواستند از زبان فارسی حذف کنند و بجایش "کارپذیر" بگذارند، تحمیل کردند. اول مه به یک سنت قوی در ایران تبدیل شده است و با نام کمونیسم و چپ پیوند خورده است. آقای پهلوی و شرکا به تقلا افتاده اند تا این پیوند را قطع کنند و از این طریق چپ را خلع سلاح کنند. غافل از این که این رشد و قدرت گیری طیف کارگران چپ و سوسیالیست و کلا گرایش چپ در جامعه است که به اول مه این چنین وزنی داده است نه بر عکس. ایشان میخواهد با این پیام بگوید حساب مرا حداقل در این یک مورد با پدرم قاطی نکنید. من روز کارگر را تا آنجا که اسمش ۱۱ اردیبهشت باشد و ضد سرمایه نباشد و چپی نباشد و از خصومت با ناسیونالیسم و شاهان و امیران تهی شود، و به یک روز عادی کارگری تقلیل یابد می پذیرم. به ایشان باید گفت از لطف شما ممنون. اما عوضی گرفته اید. هم خودتان را هم کارگران را.